

خوانش بیش‌منی طراحی نقوش سیارات هفت‌گانه در هنر سلجوقیان (نمونه موردی «کاسه مینایی» و کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی)

علیرضا عزیزی یوسفکندا^۱؛ فرنوش شمیلی^۲؛ محمد خزایی^۳؛ بهمن نامور مطلق^۴

۱. دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email: f.shamili@tabriziau.ac.ir

۳. استاد تمام گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه و لاتین، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: در عصر سلجوقیان، هنر به شکوفایی و کمال نسبی رسید و آثار هنری متعدد و متنوعی با مضامین نجومی خلق شد که نشان‌دهنده اهمیت نجوم در این دوره است. هنرمندان این دوره، با آگاهی از جایگاه نجوم و مسائل نجومی، مفاهیم و مضامین نجومی را به عنوان تزیینات و نقوش مؤثر در زندگی، در آثار خود، به‌فور منعکس کردند. پژوهش حاضر به‌دلیل شناخت مفاهیم نقوش نجومی و تأثیر متقابل هنرمندان سلجوقی از همدیگر در طراحی این نقوش در آثارشان است؛ بنابراین، شیوه تأثیر هنرمندان از همدیگر در طراحی نقوش سیارات ثابت و معانی آن‌ها در دو اثر دوره سلجوقی مورد بررسی و مطالعه واقع شده است و در این راستا، به‌دلیل پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که شیوه تأثیر طراحی نقوش سیاره‌های ثابت از همدیگر، بیشتر به‌کدام گونه از بیش‌منیت تمایل دارد؟ و اینکه در فرآیند تأثیرپذیری چه تغییراتی در طراحی این نقوش ایجاد شده است؟ هدف پژوهش حاضر شناخت شیوه تأثیر طراحی نقوش سیاره‌های ثابت از همدیگر و نوع تغییرات در دو اثر مورد نظر پژوهش با رویکرد بیش‌منیت ژرار ژنت است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است و داده‌ها با استفاده از متابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، نقوش نجومی ترسیم شده در نسخه‌های خطی سلجوقی علاوه بر ملاک‌های نجومی، به لحاظ تزیینی تا حدودی منطبق با سایر نمونه‌های هنرهاي صناعي ترسیم شده و بعضًا به اقتضای سلیقه هنرمند، تغییراتی در آن‌ها صورت گرفته است. هنرمندان سلجوقی دارای شناخت کامل از تحولات هنر دوره خود و دوره‌های پیشین بوده‌اند و تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از تجرب سایر هنرمندان، هنر خویش را به حداقلی خود برسانند.

نتیجه‌گیری: با توجه به پژوهش صورت گرفته، نتایج نشان داد که تأثیر طراحی نقوش سیارات ثابت در کتاب «عجایب‌المخلوقات» (بیش‌من) از طراحی نقوش سیارات ثابت در کاسه مینایی (بیش‌من) براساس گونه‌شناسی بیش‌منیت ژنت در دسته‌جایگشت (ترانسپوزیشن) و تراگونگی با کارکرد جدی است. تراگونگی‌های ایجاد شده در بیش‌من شامل تغییرات (جنسي، شکلي، تركيب‌بندي و رنگي) است. نگارگر «عجایب‌المخلوقات» در خلق يك بیش‌من جدید و مستقل نگاه تقليدي صرف نداشته و به گونه‌اي متفاوت‌تر به طراحی آن پرداخته است.

کلیدواژه

هنر سلجوقیان، سیاره‌های ثابت، سفال‌گری، نگارگری، بیش‌منیت ژرار ژنت

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

مقدمه و بیان مسئله

از همان آغاز اسلام، مسلمانان، با توجه به نیاز آگاهی دقیق از اوقات شرعی برای اقامه نماز سر وقت و سایر مسائل شرعی، توجه ویژه‌ای به نجوم و سایر پدیده‌های علمی نشان دادند. در عصر سلجوقیان، هنر به شکوفایی و کمال نسبی رسید و آثار هنری متعدد و متنوعی با مضامین نجومی خلق شد که نشان‌دهنده اهمیت نجوم در این دوره است. هنرمندان این دوره، با آگاهی از جایگاه نجوم و مسائل نجومی، مفاهیم و مضامین نجومی را به عنوان تزیینات و نقوش مؤثر در زندگی، در آثار خود به‌فور منعکس کردند. دوره سلجوقی یکی از ادوار پویای جهان اسلام در حوزه علوم و هنر است. سلجوقیان در مناطق مختلف (ایران، آسیای مرکزی، ترکیه) حکمرانی می‌کردند. حمایت حاکمان سلجوقی (با راهنمایی وزیران دانشمند ایرانی) از هنرمندان و حکیمان باعث گسترش چشمگیر علوم و هنر در این دوره شد. در این دوره، هنر و علوم بسیار نزدیک و بعضًا در هم تنیده شده‌اند. سفالگری و کتاب‌آرایی عرصه‌ای بی‌بدیل برای انکاس علوم کیهان‌شناسی شد. کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی جزو اولین آثار مکتوب و مصور است که در بخش‌هایی مستقل به کیهان‌شناسی پرداخته است. در پژوهش حاضر، به عنوان نمونه مطالعاتی، یک سفال مینایی که در نواحی مرکزی ایران تولید شده و نسخه‌ای از کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی که در عراق مصور و تهیه شده، به عنوان دو پیکره مطالعاتی پژوهش انتخاب شده است که هر دو در دوره سلجوقی تولید شده و منقوش به نگاره‌های سیارات هفت‌گانه در علم کیهان‌شناسی می‌باشند. با وجود گستردگی جغرافیای سیاسی سلجوقیان و مناطق اشغال شده، هنر در همه زمینه‌ها پیشرفت چشمگیر داشته و هنر هر منطقه از سایر مناطق تأثیر گرفته و تداوم داشته است. در واقع یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته هنر ایران اسلامی، تداوم و تکامل مکاتب مختلف هنری است؛ به این صورت که روند خلق آثار هنری در هر مکتب و دوره از تاریخ، در مکاتب و ادوار بعدی، ادامه داشته و رویکردی تکاملی به خود گرفته است. با این پیش‌فرض، بررسی و تحلیل آثار هنری در ادوار تاریخی هنر ایران اسلامی مستلزم رویکردی نظری است که به بررسی و مطالعه تأثیر و روابط میان آثار هنری در ادوار و مناطق مختلف این سرزمین پهناور بپردازد. به این منظور در این پژوهش برای مطالعه و تحلیل داده‌ها، رویکرد «بیش‌متنی^۱» «زرار ژنت^۲» انتخاب شده است. بیش‌متنیت یکی از اقسام «ترامنتیت^۳» در دستگاه ژرار ژنت است که به بررسی شیوه‌های است تقاض و برگرفتگی آثار از یکدیگر می‌پردازد. در رابطه بیش‌متنی، امکان خلق متن (ب) بدون حضور متن (الف) یا پیش‌متن وجود ندارد. در این نوع از رابطه نه به الهام و تأثیر جزئی، بلکه به تأثیرپذیری کلی یک متن بر متن دیگر توجه می‌شود. این پژوهش با این زمینه نظری قصد دارد نقش‌ایه‌های سیارات هفت‌گانه را در دو اثر سلجوقیان مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نبود پژوهش مستقل در باب نقش‌ایه‌های سیارات هفت‌گانه در دوره سلجوقیان ضرورت این پژوهش را برای نگارنده‌گان ایجاد کرده است. از این رو دو پیکره مطالعاتی منقوش به سیارات هفت‌گانه در دوره سلجوقیان از دو منطقه جغرافیایی ایران و عراق جهت مطالعه انتخاب شده که می‌تواند یکی از بهترین مصادیق رابطه بیش‌متنی ژنت باشد که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. هدف از این پژوهش شناخت چگونگی ارتباط دو اثر هنری متفاوت سلجوقیان از دو منطقه جغرافیایی متفاوت (اثر سفالین یا پیش‌متن^۴ از نواحی مرکزی ایران و اثری کتاب‌آرایی یا بیش‌متن^۵ از منطقه عراق) با روش بیش‌متنیت ژرار ژنت است. بر این اساس، سوالات پژوهش به این صورت مطرح شده است: ۱. شیوه تأثیر ترسیم نقوش سیاره‌های ثابت کتاب «عجایب‌المخلوقات» از کاسه مینایی در دوره سلجوقی بیشتر به کدام گونه از بیش‌متنیت تمایل دارد؟ ۲. در این فرآیند، چه تغییراتی در ترسیم این نقوش ایجاد شده است؟ به منظور پاسخ به

پژوهش

زودآیند ویرایش نشده

سؤالات پژوهش، پیکرهای مطالعاتی، براساس شاخصهای دوگانه ژرار ژنت (کارکرد و رابطه)، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، از نوع کیفی و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد بیش‌متنیست ژرار ژنت انجام شده است. در این پژوهش اطلاعات با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای گردآوری شده و از ابزارهای اندازه‌گیری مانند پایان‌نامه‌ها، مقاله‌های علمی، جدول‌ها و شکل‌ها استفاده شده است. در روند پژوهش، ابتدا پیکرهای مطالعاتی، شامل پیش‌من و بیش‌من معرفی شده‌اند؛ سپس روابط موجود بین آن‌ها براساس درون‌شنانه‌ای، بینارشتهای و عرضی (هم‌زنایی) ارائه شده است. در نهایت پیکرهای مطالعاتی با توجه به شاخصهای دوگانه ژنت، یعنی رابطه و کارکرد، ارزیابی شده‌اند. در تراگونگی^۶ که بیش‌من نسبت به پیش‌من ایجاد شده است، سعی شده تغییرات بر روی نقش مطالعاتی شرح داده شود. نمونه‌های پژوهش شامل دو اثر، یکی کاسه مینایی سلجوقی، نگهداری شده در موزه متropolitn^۷ به شماره (۵۷,۳۶,۴) و دیگری کتاب «عجایب المخلوقات» قزوینی محفوظ در کتابخانه باواریا در مونیخ به شماره (۴۶۴) است که براساس رویکرد نظری مورد استفاده در این مطالعه، به عنوان پیکرهای مطالعاتی و تحت‌نام پیش‌من و بیش‌من قلمداد شده‌اند. روش انتخاب نمونه‌ها (غیرتصادفی) و به صورت هدفمند است.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده، چندین پژوهش پیرامون انکاس نجوم در هنر سلجوقیان شناسایی و در راستای پژوهش، مورد مطالعه واقع گشت: «کن‌بی^۸، بیازیت^۹ و روگادی^{۱۰}» (۲۰۱۶) در کتابی با عنوان «دیوان و کیهان: عصر بزرگ سلجوقیان»، پس از مژه تاریخی این سلسله، به مطالعه انکاس موضوعاتی مانند توسعه طالع‌بینی و جادو، بیان بصری اکتشافات در علم پژوهشی، هنرهای درباری، تدفین و ادبیات در آثار هنری این دوره می‌پردازد. این کتاب مطالعه‌ای جامع درباره وسعت دست‌آوردهای سلجوقی است که شکوه یکی از باشکوه‌ترین سلسله‌های دوره اسلامی را روشن می‌کند و بینش‌هایی را درباره سنت فرهنگی غنی ارائه می‌دهد که میراث فرهنگ اسلامی را تا به امروز شکل داده است. همچنین «کن‌بی، بیازیت و روگادی» (۲۰۲۰) در کتابی دیگر با عنوان «سلجوقيان و جانشينان آن‌ها: هنر، فرهنگ و تاريخ»، به مطالعه دوران حکومت سلجوقیان، مهاجرت مردم و تبادل و ترکیب سنت‌های گوناگون، از جمله فرهنگ‌های ترکمنی، ایرانی- عربی- اسلامی، بیزانسی، ارمنی، صلیبیون و سایر فرهنگ‌های مسیحی پرداخته‌اند. آن‌ها همینطور بررسی می‌کنند که چگونه تغییر باورهای مذهبی، ایدئولوژی‌های اقتدار و سبک زندگی در دوران سلجوقی بر تولیدات فرهنگی و هنری، معماری شهری و رستایی، کتیبه‌های یادبود و عنوان سلطنتی و اعمال دین و جادو تأثیر گذاشته است. در پایان نامه کارشناسی ارشد «سيستانی و مرآثی» (۱۳۹۴) نيز با عنوان «سيير تحول تصویرسازی نمادها و صور فلکی در آثار مكتوب ايران از دوره سلجوقى تا صفوی»، روند تطور زیبایي‌شناسی و نمادپردازی نقش صور فلکی در نسخه‌های مكتوب نجومی از دوره سلجوقی تا صفوی مطالعه شده و به اين نتیجه رسيده است که نقش صور فلکی و نمادهای آن به مقدار زيادي در هنر قبل از اسلام و سرزمين‌های تحت سلطنه مسلمانان از جمله ايران ريشه دارد. همچنین «غلامي گودرزی و محمودی» (۱۴۰۰) در پایان نامه کارشناسی خود با عنوان «نقش نجوم در تصویرسازی آثار فلزی دوره سلجوقی»، به بررسی نقش نجوم در تصویرسازی و ساخت آثار فلزی دوره سلجوقی پرداخته است. به اين ترتيب، با بررسی و مطالعه

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

بیشتر، پژوهشی مستقل با مضمون پژوهش حاضر شناسایی نشد و این پژوهش، شیوه تصویرسازی هنرمندان سلجوکی در مصورسازی سیاره‌های ثابت با دیدگاه بیش‌متنیت ژرار ژنت مورد مطالعه قرار گرفته است.

مبانی نظری

در سال ۱۹۶۶ «کریستوا»^{۱۱} اصطلاح بینامتنیت را برای اولین بار در مقاله «کلمه، گفت و گو، رمان» به کار برده است. بینامتنیت کریستوا بر این اساس است که متن‌ها، هیچ وقت یکباره خلق نمی‌شوند و در خلق متن جدید، متن‌های دیگر حضور دارند (آذر، ۱۳۹۵). بر این اساس هر متن جدیدی بافتی است که تار و پود آن از متنون پیشین تأثیر گرفته است و فقط آدم اسطوره‌ای و به کلی تنهای است که با اولین سخن خود به‌دنیایی بکر و هنوز بیان نشده نزدیک می‌شود و از این جهت‌گیری متقابل مستثنای می‌گردد (تودوروف، ۱۳۷۷، ۱۲۶). بینامتنیت محدود کردن متن جدید به یک یا چند منبع را قبول نداشته و بر این باور بوده که متن جدید به‌سراغ منابع می‌رود و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ۳۴). ژرار ژنت اساس بینامتنیت را حضور همزمان دو یا چند متن و حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر می‌داند و به بررسی تأثیر و روابط متنون می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۰، ۳۲۰).

در نگاه ژرار ژنت، هیچ متنی مستقل از متنون پیشین نیست. او به صراحت در جستجوی روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هست و به‌ویژه در روابط بیش‌متن، تأثیرگذاری میان دو یا چندین متن را اساس مطالعات خود قرار داده است (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۸۲). بینامتنیت رویکردی است که تجربه‌های تجسمی را در برداشت دم‌دستی یا ریشه‌ای آن از دیگران نمایان می‌کند، یعنی پیدا کردن اینکه اثر جدید چه رابطه موضوعی با آثار دیگر دارد؟ (پرویزی، ۱۳۸۲). بینامتنیت ژنت به دو دسته کلان (۱. صریح و آشکار ۲. ضمنی و پنهان) تقسیم می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ۳۸). ژنت با توسعه مطالعات کریستوا، رابطه میان یک متن با متنون دیگر را با اصطلاح جدید ترامتنیت بیان کرده و آن را در پنج گونه گروه‌بندی می‌کند: بینامتنیت، سرمتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت و بیش‌متنیت (آذر، ۱۳۹۵). ژرار ژنت بازنگری‌های زیادی در کردار بوطیقا صورت داده است و رویکرد منسجمی که «ترامتنیت» نامیده ارائه داده است. اصطلاحی که می‌توان آن را بینامتنیت از منظر بوطیقای ساختاری بیان کرد (آلن، ۱۳۸۰، ۱۴۰). در رویکرد بیش‌متنیت، رابطه میان دو متن براساس برگفتگی این متن از هم‌دیگر تبیین می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶). به این شیوه می‌توان بیان کرد که در یک مطالعه بیش‌متنی چگونگی تکثیر و گسترش متن‌ها بررسی شده و برای این مطالعه باید سه شرط اساسی وجود داشته باشد: ۱. متنی بودن موضوع ۲. دارا بودن دو یا بیش از دو متن ۳. مسلم داشتن رابطه پیش‌متن و بیش‌متن (نامور مطلق، ۱۳۹۱). ژنت، در بررسی روابط بیش‌متنیت، به پارامترهای زیادی توجه دارد که مهمترین آن‌ها نوع ارتباط بوده و بر این اساس ارتباط متنون را در دو گونه «همان‌گونگی» (تقلید) و «تراگونگی» (تغییر) دسته‌بندی کرده است. شاخص ژنت در این گروه‌بندی سبک می‌باشد. در گروه‌بندی‌ای که ژنت از تجلی یک متن در متنون دیگر بررسی می‌کند، به سه گونه نظام ادبی-هنری اشاره کرده که در گذار از یک متن به متن دیگر نقش اساسی بازی می‌کنند: تفکنی، طنزی و جدی. شیوه ظهور هر یک از این نظام‌ها براساس ارتباط بین دو متن، به‌صورت موجز، به‌شرح ذیل بیان شده و در جداول ذیل (جدول ۱ و ۲) ارائه گردیده است (قانی و مهرابی، ۱۳۹۸).

جدول ۱. شیوه ظهور گونه‌های سه‌گانه هنری در هر یک از انواع ارتباط بیش‌متنی. منبع: نامور مطلق، ۱۳۹۱.

ردیف	نظام بیانی	بیش‌متنیت
		تراگونگی همان‌گونگی

پیکره

زودآیند ویرایش نشده

تفننی	پاسیش	پارودی در معنای خاص آن
۱	شارژ	تراوستیسمان
۲	پاسیش طنزی پارودی در معنای رایج کلمه	پارودی در معنای رایج کلمه
۳	furzari	جایگشت ^{۱۳} (ترانسپوزیشن)

دلیل استفاده از رویکرد بیش‌متنیت در این پژوهش، تطبیق بیشتر این رویکرد با هدف اصلی پژوهش است، زیرا هدف این پژوهش، بررسی شیوه‌های تأثیرپذیری هنرمندان سلجوقی از همدیگر در ترسیم نقوش کیهانی می‌باشد و در بیش‌متنیت ژنت شیوه‌های تأثیر یک متن بر متن دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲. توضیح انواع ارتباط در نحوه ظهور نظامهای سه‌گانه هنری بیش‌متنی. منبع: قانی و مهرابی، ۱۳۹۸.

ردیف	نوع ارتباط	تشریح معنی
۱	پاسیش	در این گوشه شیوه تقلید شده، اما در اکثر موارد موضوع دیگری مورد استفاده قرار گرفته است. درواقع پاسیش تقلید سبکی بیش‌منن از پیش‌منن می‌باشد.
۲	شارژ	بهمعنی غلو کردن بیش‌منن نسبت به پیش‌منن است که همراه با طنز می‌باشد.
۳	furzari	تقلید جدی بیش‌منن از پیش‌منن می‌باشد.
۴	پارودی	تراکونگی سبکی بیش‌منن نسبت به پیش‌منن می‌باشد.
۵	تراوستیسمان	بهمعنی دگرگون کردن جنسیت و تعییر سرشت پیش‌منن و خلق بیش‌منن از این طریق می‌باشد.
۶	جایگشت	بهشکل جدی به تعییر سبک و تکثیر متن پرداخته است.

پیکره‌های مطالعاتی

پیکره اول مطالعاتی یا پیش‌منن این پژوهش، کاسه سفالی تزیین شده با نقوش درباری و نجومی ساخت مرکز یا شمال ایران است که به سفارش دربار سلجوقی در اوایل قرن ۱۲ تا اوایل قرن ۱۳ میلادی ساخته شده و اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک به شماره (۵۷,۳۶,۴) نگهداری می‌شود (تصویر ۱) کاسه مورد نظر پژوهش با هفت حلقه و نوار دایره‌ای با نقوش مختلف تزیین شده است. در اولین نوار، خورشید با چهره انسانی، در نوار دوم، شش عدد سیاره، در نوار سوم، ده سوارکار به صورت نیم‌رخ و در فاصله بین سوارکاران پرنده‌ای ترسیم شده است. در نوار چهارم، دو ردیف نقوش هندسی، در نوار پنجم، دو فرمانروای بر تخت نشسته که توسط بیست و شش پیکره احاطه شده‌اند و در نوار ششم، کتیبه‌ای آسیب دیده و مرمت شده با خط کوفی حاوی ذکر و شای پادشاه مسلمین وقت است که به علت صدمه دیدن، اسم او مشخص نیست. محتوای کتیبه نشانگر سفارش اثر توسط دربار سلطنتی است. در نوار هفتم، یکسری نقوش هندسی منظم، بهشکل دایره، کل لبه کاسه را احاطه کرده است (جدول ۳).

بیکره

زودآیند ویرایش نشده



تصویر ۱. الف: هفت اختر در بشقاب سفالی، دوره سلجوقی. منبع: اتینگهاوزن، ۱۹۷۵^۱. ب: چند تصویر صورالکواكب از کتاب «عجایبالمخلوقات» قزوینی، نسخه مونیخ. منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

پیکره دوم مطالعاتی یا پیش‌متن این پژوهش کتاب «عجایبالمخلوقات و غرائبالموجودات» تأليف و گردآوری زکریای قزوینی است. مؤلف کتاب را به «ابوطالب طغل بن ارسلان بن طغل» اهدا کرده است. این حاکم از سلاجقة عراق است که از سال ۵۵۶ تا ۵۷۳ م.ق. سلطنت داشته است. زکریای قزوینی ابتدا کتاب را به زبان عربی نوشت و بعداً نسخه فارسی آن را ارائه کرد. نسخه مونیخ تا این لحظه از پژوهش، قدیمی‌ترین نسخه به دست آمده از «عجایبالمخلوقات» قزوینی محسوب می‌شود. این نسخه به شماره ۴۶۴ (عرب) در کتابخانه «باواریا»^{۱۲} در مونیخ نگهداری می‌شود (تصویر ۱). استناد به مطالب صفحه افتتاحیه، تصاویر نسخه را «محمد بن علی دمشقی مطیب»، در شهر واسط، واقع در جنوب بغداد در کرانه رود فرات استنتاخ کرده و آن را در ۶۵۸ م.ش/ ۱۲۸۰ م [۲۴/۲۵] شوال ۶۷۸ ق.آ به پایان برده است (فن هس^{۱۳} و شوارتس^{۱۴}). با توجه به تاریخ کتاب، نسخه مونیخ در زمان حیات مؤلف تصویرگری و کتابت شده و سه سال پیش از وفات اوی به پایان رسیده است. متن نسخه مورد نظر با ۴۶۷ نگاره کامل شده است (بیگ باباپور، ۱۳۹۲^{۱۵}). این نسخه حاوی تصاویر و تشریح صورالکواكب در بخش نخست کتاب است که نزدیکترین منبع به پیش‌متن مطالعاتی پژوهش حاضر است (جدول ۳).

جدول ۳. مشخصات پیکره‌های مطالعاتی پژوهش. منبع: نگارندگان.

پیکره مطالعاتی	پیش‌متن	بغداد	واسط واقع در جنوب	ابوطالب طغل بن ارسلان بن طغل، سلجوقی	علی دمشقی مطیب	ناشناس دارای کتبیه تقدیمی مخدوش	کاسه‌ای با نقش درباری و نجومی	در اواخر قرن ۱۲ م منسوب به ایران مرکزی یا شمالی	حاکم سلجوقی وقت-ناشناس	محل نگهداری	هرمند	صاحب اثر	تاریخ اثر
۱										موزه متروپولیتن به شماره (۵۷,۳۶,۴)	ناشناس		
۲	بیش‌متن									کتابخانه باواریا مونیخ به شماره (عرب)	محمد بن علی دمشقی مطیب		

سیاره‌های هفت‌گانه (کواكب سبعه)

در نجوم قدیم، هفت عضو منظومه خورشید، شامل خورشید و ماه و پنج سیاره زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد، سیاره‌های هفت‌گانه یا کواكب سبعه نامیده می‌شدند. این اجرام به سبب درخشندگی‌شان با چشم غیرمسلح

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

دیده می‌شوند و پیش از اختراع تلسکوپ نیز کاملاً شناخته شده بوده‌اند. در هر دو نمونه مورد نظر پژوهش این سیارات در قالب انسانی ترسیم شده‌اند که در ادامه پژوهش به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند (جدول ۴).

جدول ۴. سیارات هفت‌گانه در دو پیکره مطالعاتی. منبع: نگارنده‌گان.

Jupiter	Saturn	Moon	Venus	Mercury	Mars	Sun	سیاره
مشتری	زحل	قمر	زهره	عطارد	مریخ	شمس	نام عربی
هرمز	کیوان	ماه	زهره، ناهید	تیر	بهرام	خورشید، خور، هور، مهر،	نام ایرانی
تصویر ۸	تصویر ۷	تصویر ۶	تصویر ۵	تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	سفال سلجوقی
تصویر ۸	تصویر ۷	تصویر ۶	تصویر ۵	تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	عجایب المخلوقات موئیخ

۱. سیاره خورشید: سیاره خورشید مهمترین سیاره بین سیاره‌های آسمان محسوب شده و اولین سیاره‌ای است که بشر شناخته و متوجه اهمیت و نقش اساسی آن در حفظ زندگی بشر و طبیعت شده است. انسان نخستین خورشید را قلب و مرکز پیکره هستی قلمداد کرده و برای آن نقش خدایی در نظر گرفته‌اند تا جایی که در بسیاری از ادیان همچون دین مهر جایگاه اساسی و ویژه دارد. در احکام علم نجوم، صفت‌هایی مانند خرد، معرفت، بزرگواری، غرور، پاکیزگی، آرامیدن و بردباری در وصف خورشید آورده شده است (مصطفی، ۱۳۵۷، ۲۴۸). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، مرکز کاسه با نقش‌ای خورشید به نشان سیاره خورشید تزیین شده است و تعداد شش سیاره به دور آن به ترتیب با توجه به حرکت عقربه‌های ساعت: مریخ، عطارد، زهره، قمر، زحل و مشتری نقش بسته‌اند. خورشید در قالب انسانی ترسیم شده و نحوه ترسیم ابروهای گرد با چشمان درشت و لب‌های کوچک نشان از جنس مؤثث آن دارد. در اینجا فقط صورت انسانی خورشید ترسیم شده و گردآگرد صورت خورشید خانم را شعاع‌های زیاد در دو ردیف دایره‌ای احاطه کرده است هنرمند از رنگ‌های طلایی، آبی لاجوردی و اخراجی بهره گرفته است (تصویر ۲) در پیکره دوم، یعنی نسخه خطی «عجایب المخلوقات» نگهداری شده در کتابخانه باواریا، خورشید در قالب و پیکره یک انسان کامل ترسیم شده است. اگرچه متأسفانه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً مذکور بودن خورشید را هویدا می‌کند. خورشید آقا روی تخت به حالت پادشاهان و لباس آراسته و رسمی سلطنتی نشسته، در حالی که شمشیری را به نشان قدرت و شاهی روی زانوهای خود قرار داده است و رو به روی صورت آن یک دایره به نشان خورشید قرار گرفته است (تصویر ۲) هنرمند از رنگ‌های اکر، آبی لاجوردی و قرمز بهره گرفته است.

بیکره

زودآیند ویرایش نشده



تصویر ۲. الف: نقش مایه خورشیدی، کاسه مینایی سلجوقی. منبع: اتینگهاوزن، ۱۹۷۵.
ب: نقش مایه خورشید در کتاب «عجایبالمخلوقات» قزوینی. منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

سیاره مریخ (بهرام): مریخ چهارمین سیاره در منظومه خورشیدی است. نام فارسی این سیاره بهرام و نام عربی- یونانی آن مریخ است. بهرام یا ورهران که در اصل «ورثرغن» به معنی جنگجو و فتح‌کننده است. در ادبیات منظوم زبان فارسی هم به صفت خشم و سلحشوری مریخ بسیار اشاره شده و عنوان‌هایی مانند مریخ خون‌آلود، حیدر رزم فلک و مریخ سلحشور به او داده شده است (مصطفی، ۱۳۵۷، ۷۳۰). این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزد خدای جنگ بوده است؛ به همین علت، منجمان احکامی مریخ را کوکب لشکریان و امراء ظالم، دزدان و مفسدان شمرده‌اند (مصطفی، ۱۳۵۷، ۷۲۹). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، سیاره مریخ به صورت مرد جنگجویی با صورت مغولی، چهارزانو نشسته و شمشیری به دست روی شانه چپ و سر بریده‌ای در دست راستش تصویر شده است. گردانگرد سر جنگجو یک دایره قرار گرفته و چشمان او سمت راست را نظاره می‌کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، قهوه‌ای و عنابی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایبالمخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، مریخ در هیبت یک جنگجو با لباس قرمز نشسته بر تخت، شمشیر در دست راست و یک سر بریده در دست چپ، در حالی که رویه رو را نظاره می‌کند، ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، قرمز و آبی تیره استفاده کرده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن بسیار واضح به مذکور بودن آن اشاره دارد. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، قرمز و آبی لا جوردی استفاده کرده است (تصویر ۳).



تصویر ۳. الف: نقش مایه سیاره مریخ در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: اتینگهاوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش مایه سیاره مریخ در کتاب «عجایبالمخلوقات». منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

بیکره

زودآیند ویرایش نشده



تصویر ۴. الف: نقش‌مایه سیاره عطارد در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: اتینگه‌اوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش‌مایه سیاره عطارد در کتاب «عجایب‌المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریای مونیخ.

سیاره عطارد (تیر): سیاره عطارد نزدیکترین سیاره به خورشید است. عطارد کوچکترین و سریع‌ترین سیاره در منظومه شمسی است. این سیاره گریزپاست و به همین دلیل ایرانیان باستان آن را تیر نامیده‌اند. در روم باستان نیز عطارد را به عنوان «مرکوری» یا «پیک خدایان» یا «پیک خدایان» می‌شناسند و نام یونانی آن «هرمس» یا «خدای سرعت» بوده است. در احکام نجوم، سیاره تیر، ستاره شاعران، حکیم‌ها و طبیب‌ها، نقاش‌ها، تاجرها، بازاریان و غیره است. به همین دلیل از ستاره تیر در اشعار فارسی با عنایتی مانند کاتب گردون، اختر دانش، دبیر انجم و کاتب علوی نام برده‌اند (قهراری گیلگو و محمدزاده، ۱۳۸۹، ۱۳). عطارد در ادبیات فارسی و ادبیات عربی دبیر فلك نیز خوانده شده است. به همین جهت در آثار مصور در هیبت مردی کاتب و نشسته تصویر شده است. در پیکره اول یعنی کاسه مینایی، عطارد در قالب مردی کاتب، با لباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت راست، در حالی که قلمی در دست راست دارد، ترسیم شده است. دایره‌ای سر پیکره را از پس زمینه جدا کرده است (تصویر ۴). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، اخرازی و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، عطارد در قالب مردی کاتب، با لباس و چهره ایرانی، متکابی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت چپ، در حالی که قلمی در دست راست دارد، ترسیم شده است. دایره‌ای رنگی سر پیکره را از پس زمینه جدا کرده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، صورتی و سبزآبی استفاده کرده است (تصویر ۴).

سیاره زهره (ناهید): زهره یا ناهید دومین سیاره بعد از تیر (عطارد) در منظومه خورشیدی است. نام این سیاره به لاتین «ونوس»، در اساطیر یونان و روم برگرفته از نام خدای عشق و زیبایی روم باستان (آفروزویت^{۱۶}) بوده و الهه زیبایی است. در ادبیات فارسی این سیاره با عنایتی مانند ناهید و بیدخت اشاره شده و واژه بیدخت در ادبیات قدیم، بَغْدَخْت و به معنی «دختر خدا» معنی شده است. نام دیگر سیاره آنایتا، ناهید یا ناهید به معنی پاکی و بی‌نقصی بوده و از فرشتگان نگهبان آب محسوب شده است. این سیاره در احکام نجوم با صفاتی مانند اهل زینت و تجمل، کوکب زنان، لهو و شادی، سخریه و سوگند دروغ، عشق و ظرافت بیان شده است. در ادبیات فارسی، سیاره زهره زن بربط نواز، زن خنیاگر و زن مطربه ملقب شده و اکثرًا در هر شعری نام زهره می‌آید، به سرود و نوازنده‌گی اشاره شده است (مصطفی، ۱۳۵۷، ۳۴۵). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، سیاره زهره در قالب زنی نوازنده بربط، بالباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت راست که مضراب را به دست راست دارد، ترسیم شده است. ساز بربط با فرم دایره احاطه کننده پیکره، هماهنگ ترسیم شده و دایره‌ای رنگی سر پیکره را از پس زمینه جدا کرده است (تصویر ۵). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره زهره در

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

قالبزنی نوازنده بربط، بالباس و چهره ایرانی، متكلایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت راست، در حالی که مضراب در دست راست دارد، ترسیم شده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً به مؤنث بودن پیکره اشاره می‌کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۵).

تصویر ۵. الف: نقش‌مایه سیاره زهره در کاسه مینایی سلجوqi. منبع: اتینگهاوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش‌مایه سیاره زهره در کتاب «عجایبالمخلوقات». منبع: کتابخانه باواریای مونیخ



تصویر ۶. الف: نقش‌مایه سیاره قمر در کاسه مینایی سلجوqi. منبع: اتینگهاوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش‌مایه سیاره قمر در کتاب «عجایبالمخلوقات». منبع: کتابخانه باواریای مونیخ.



سیاره ماه: سیاره ماه بعد از خورشید دومین جرم آسمانی درخشان است. سیاره ماه نزدیکترین سیاره به سیاره زمین است که بعد از خورشید از همه اجرام آسمانی بزرگ‌تر بوده و در تفکر و زندگی انسان تأثیر داشته است. در باب قمر و خورشید و تأثیر آن کاملاً در فصول رسائل «اخوان الصفا» بحث شده است. اخوان همچنین معتقدند که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد (قهرای گیگلو و محمدزاده، ۱۳۸۹). در پیکره اول، یعنی کاسه مینای، سیاره ماه در قالبزنی با لباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت روبرو، گیسوان باز شده، دست‌های باز شده به سمت بالا و دایره‌ای روبروی صورت ترسیم شده است (تصویر ۶). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایبالمخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره ماه در قالب زنی با لباس و چهره ایرانی، متكلایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت روبرو، دست‌های باز شده به سمت بالا و دایره‌ای روبروی صورت ترسیم شده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً به مؤنث بودن پیکره اشاره می‌کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، صورتی، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۶).

سیاره زحل (کیوان): سیاره زُحل یا کیوان بعد از سیاره مشتری، دومین سیاره بزرگ منظومه خورشیدی و دورترین سیاره از زمین است. این سیاره به عنوان خدای کشاورزی و ثروت رومی که پدر مشتری نیز بوده نامگذاری شده است. «ایزد ساترنوس»^{۱۸} در روم باستان با سیاره زحل و ایزد کشاورزی ارتباط داشته است. این سیاره برای انسان‌های اولیه، از جمله بابلی‌ها و منجمین خاور دور شناخته شده بود. نام این سیاره از خدای رومی ساترنوس

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

الهام گرفته شده است و یونانیان آن را «کرونوس»^{۱۹} می‌نامیدند. رومی‌ها معتقد بودند که سیاره ساترنوس معادل خدای یونانی کرونوس است. سیاره کیوان دورترین سیاره منظومه شمسی است و واژه (زحل) به معنای بسیار دور گریخته است. منجم‌ها سیاره زحل را ستاره ارباب قلعه‌ها، پیرها و دهقان‌ها، خاندان‌های گذشته، غلام‌های سیاه، صحرانشیان، مردم عادی، زاهدان بدون علم و موصوف به صفات جهل، بخل، مکر، کینه، ستیزه و کاهله شمرده اند (مصفی، ۱۳۵۷، ۲۳۷). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، سیاره کیوان در قالب مردی با لباس و چهره غربی، نشسته رو به سمت راست، دو اسلحه تیشه‌مانند در دو دست و دایره‌ای رنگی پشت سر ترسیم شده است (تصویر ۷). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره کیوان در قالب مردی با لباس و چهره غربی، روی صندلی نشسته رو به سمت راست، کلاه شیپوری بلند و داسی بلند به دست چپ روی شانه ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۷).



تصویر ۷. الف: نقش‌مایه سیاره کیوان در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: اینینگ‌هاوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش‌مایه سیاره کیوان در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.



تصویر ۸. الف: نقش‌مایه سیاره هرمز در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: اینینگ‌هاوزن، ۱۹۷۵. ب: نقش‌مایه سیاره هرمز در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

سیاره مشتری (هرمز): سیاره مشتری یا هرمز، بزرگترین سیاره در منظومه شمسی است. این سیاره در تمدن یونانی «زئوس»^{۲۰} خوانده شده و در روم باستان، «ژوپیتر» (خدای طبیعت) نامیده می‌شد. در زبان عربی خطیب و قاضی فلک نیز نامیده شده است. سیاره مشتری در ایران باستان با عنوان خدای درخشان آسمان (هورمزد) پرستش شده که به مذهب مهر و حتی قبل از آن برمنی گردد. «اهورامزدا» در آیین زردهشتی، هورمزد یا اورمزد پیرو همان اعتقاد بوده و در احکام نجومی سیاره هرمز ستاره قاضی‌ها، عالمان، اشراف، اصحاب و ارباب نوامیس و ترسایان بوده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۷۳۶). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، سیاره هرمز در قالب مردی ریش‌دار با لباس و چهره ترکی مغولی، نشسته رو به سمت راست، شیء کتاب‌مانند در دست چپ، دست راست را بلند کرده و دایره‌ای رنگی پشت سر ترسیم شده است (تصویر ۸). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

هرمز در قالب پیرمردی با لباس و چهره ایرانی، نشسته رو به سمت راست، وسیله‌ای کوچک در دست چپ و وسیله‌ای بزرگتر در دست راست و متكابی پشت سر ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۸).

روابط موجود بین پیکره‌های مطالعاتی

در نظر ژنت، متن‌ها دارای نظام‌های نشانه‌ای مختلف (کلامی، تصویری و غیره) هستند. اگر متن‌های مطالعاتی دارای نظام نشانه‌ای یکسان باشند، ارتباط بین آن‌ها (درون‌نشانه‌ای) یا (نظام نشانه‌ای همسان) است؛ در غیر این صورت ارتباط آن‌ها از نوع بین‌نشانه‌ای یا نظام نشانه‌ای غیرهمسان خواهد بود (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۲۶۰-۲۶۱). بر این اساس، بین پیکره‌های مطالعاتی این پژوهش، رابطه درون‌نشانه‌ای حکم‌فرماس است و هر دو نمونه مورد مطالعه دارای نظام تصویری هستند. در نظر ژنت، متن‌های مطالعاتی از نظر فرهنگی ممکن است دو حالت داشته باشند. اگر متن‌ها متعلق به یک فرهنگ خاص باشند، رابطه آن‌ها درون‌فرهنگی و اگر متن‌ها به فرهنگ‌های متفاوتی متعلق داشته باشند، میان آن‌ها رابطه بین‌فرهنگی وجود دارد (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۲۶۰). بر این اساس متن‌های مورد مطالعه در این پژوهش دارای رابطه درون‌فرهنگی بوده؛ چراکه هر دو متعلق به فرهنگ ایرانی و دوره سلجویی می‌باشند. به دلیل نبود وجود فاصله زمانی زیاد متن، پیش‌متن و بیش‌متن، رابطه این دو متن را می‌توان از نوع عرضی (همزمانی) در نظر گرفت. اگر آثار مورد مطالعه در یک رشته باشند، رابطه آن‌ها (درون‌رشته‌ای) و اگر آثار به رشته‌های متفاوتی متعلق داشته باشند، میان آن‌ها رابطه (بین‌رشته‌ای) وجود دارد. بر این اساس آثار مورد مطالعه در این پژوهش دارای رابطه بین‌رشته‌ای بوده؛ چراکه پیکره اول متعلق به سفال‌گری و پیکره دوم متعلق به بین‌رشته‌ای (جدول ۵). کتاب آرایی است (جدول ۵).

جدول ۵. خلاصه روابط موجود در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

ردیف	نظام ارتباطی	مصداق
۱	درون‌نشانه‌ای	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش دارای نظام یکسان تصویری هستند.
۲	درون‌فرهنگی	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به فرهنگ ایرانی می‌باشند.
۳	عرضی (همزمانی)	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به دوره سلجویی می‌باشند.
۴	بین‌رشته‌ای	دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به دو رشته متفاوت هستند: (پیش‌متن: سفال‌گری، بیش‌متن: نگارگری).

گونه‌شناسی بیش‌متنی

ژرار ژنت برای گونه‌شناسی آثار ابتدا دو شاخص (کارکرد و رابطه) را ارائه می‌دهد، سپس آثار را دریکی از گونه‌های شش گانه بیش‌متنی طبقه‌بندی می‌کند. گونه‌شناسی بیش‌متنی ژرار ژنت عبارت‌اند از: پاستیش^{۲۱}، شارژ^{۲۲}، فورژری^{۲۳}، پارودی^{۲۴}، تراوستیسمان^{۲۵} (تراپوشی) و ترانسپوریشون^{۲۶} (جایگشت).

۱. شاخص کارکرد: این شاخص به بررسی نیت یا تأثیر هر عمل که می‌تواند تفننی، طنزی یا جدی باشد، می‌پردازد (نامور مطلق، ۱۳۹۱). در کارکرد تفننی، نسبت بیش‌متن با پیش‌متن، برای تکثیر، همراه‌با شوخی و تفنن است و جنبه سرگرم‌کننده دارد. در کارکرد طنزی نسبت آن با پیش‌متن ارزش‌زدایی و نقدی است. در

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

کارکرد جدی، هدف ادامه دادن اثر، ترجمۀ اثر، اقتباس‌های ادبی و هنری و غیره است. با توجه به اینکه کتاب «عجایبالمخلوقات» به پادشاه وقت تقدیم شده، به احتمال قریب به یقین، کتابی سلطنتی، رسمی و سفارش شده از جانب دربار بوده که از اثر سفالین متعلق به دربار تأثیر گرفته است. همچنین هیچگونه از نشانه‌های نقد، ارزش‌زدایی، شوخی و غیره نسبت به پیش‌متن نمی‌توان در آن سراغ گرفت. از این‌رو براساس شاخص کارکرد، شیوه تأثیر بیش‌متن این پژوهش از پیش‌متن در دستۀ جدی قرار می‌گیرد. در نهایت با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته از بیش‌متن و پیش‌متن، گونه‌شناسی بیش‌متنی نگاره‌های کتاب «عجایبالمخلوقات» در گونه «جایگشت» (ترانسپوزیشن) قرار می‌گیرد، یعنی بیش‌متنی متأثر از پیش‌متن خود که در فرم و بافتی دیگر بازتولید شده است. جایگشت دو نوع (صوری و مضمونی) را دربر می‌گیرد. به لحاظ گونه جایگشت، بیش‌متن پژوهش حاضر در گونه جایگشت صوری قرار می‌گیرد؛ چراکه مضمون و محتوا تغییر نکرده و فقط صورت یا شیوه طراحی و ترسیم سیاره‌ها تغییر کرده (گذر از شیوه طراحی سلجوکی به شیوه طراحی ایرانی) و مضمون (کیهان‌شناسی) ثابت است. همچنین به لحاظ انواع جایگشت در گروه جایگشت هنری و زیرمجموعۀ جایگشت بیناهنری قرار می‌گیرد؛ زیرا که بیش‌متن از نوعی هنر دیگر متأثر شده است؛ به عبارت دیگر بیش‌متن و پیش‌متن متعلق به دو رشته هنری متفاوت هستند (جدول ۶).

جدول ۶. انواع و گونه‌شناسی جایگشت (ترانسپوزیشن). منبع: نگارندگان.

آنواع جایگشت		گونه‌های جایگشت
۱. جایگشت ادبی	۱. جایگشت درون‌زبانی ۲. جایگشت بین زبانی	جایگشت صوری
۱. جایگشت درون‌هنری ۲. جایگشت بیناهنری		
۱. جایگشت ادبی به هنری ۲. جایگشت هنری به ادبی		جایگشت مضمونی

۲. شاخص رابطه: رابطه در نظر ژرار ژنت به معنی میزان وفاداری بیش‌متن یا متن دوم به پیش‌متن یا متن اول است. شاخص رابطه به بررسی همان‌گونگی یا تقليد و تراگونگی یا تغيير بیش‌متن نسبت به پیش‌متن می‌پردازد. در ادامه ژنت جدول بیش‌متنی خود را، براساس دو شاخص رابطه و کارکرد، به این گونه ارائه می‌دهد (جدول ۲). به نظر می‌رسد نگارگر کتاب «عجایبالمخلوقات» در فرآیند اقتباس از نگاره‌های کاسه مینایی، در ساختار کلی اثر به پیش‌متن تصویری خود وفادار بوده است، ولی در برخی از عناصر طراحی و جزئیات چندان تقليدگر صرف نبوده است. به عبارت دیگر، بین پیش‌متن و بیش‌متن پژوهش حاضر، رابطه تراگونگی برقرار است و بیش‌متن دقیقاً مثل پیش‌متن اجرا نشده است. این تغييرات در چهار نوع تراگونگی قابل ملاحظه است: (جنسي، شکلي، تركيب‌بندي و رنگي).

۲-۱. تراگونگي جنسی: در تراگونگی جنسی، به تغييرات جنسیت نگاره‌ها در دو پيکره مطالعاتی نسبت به يكديگر توجه می‌شود. هفت سياره در هر دو پيکره در قالب انساني ترسیم شده‌اند. جنسیت انسانی دو پيکره دقیقاً مثل هم ترسیم شده و تنها يك مورد از هفت مورد تغيير داشته است. آن هم در سياره خورشید، به اين صورت که در پيکره اول، خورشيد در قالب مؤنث، يعني خورشيد خانم و در پيکره دوم، به صورت مذکور، يعني خورشيد آقا ترسیم شده است (جدول ۷).

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

جدول ۷. تراگونگی جنسی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

هرمز	کیوان	ماه	زهره	تیر	بهرام	خورشید	سیاره	تراگونگی جنسی
مرد	مرد	زن	زن	مرد	مرد	زن	پیش‌منن	
مرد	مرد	زن	زن	مرد	مرد	مرد	بیش‌منن	

۲-۲. تراگونگی شکلی: در تراگونگی شکلی، تأکید بر روی تغییرات ترسیمی و فرمی نگاره‌های دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر می‌باشد. در نوع طراحی پیکره‌ها در بیش‌منن، تغییراتی چشمگیر نسبت به پیش‌منن اعمال شده است و این تغییرات شامل طراحی چهره، حالت کلی لباس، ادوات و سایر تزیینات می‌شود. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسهٔ مینای به عنوان پیش‌منن پژوهش، هنرمند برای پوشش قالب انسانی اغلب سیاره‌ها از لباس رایج ترکی مغولی استفاده کرده است. چنانکه در اغلب سفال‌های مینایی این دوره رایج است، چهره‌های گرد و چشمانی بادامی‌شکل، سرها بزرگتر از بدن و هاله دور سر جهت جدا نمودن پیکره از پس زمینه، به تأثیر هنر مانوی، سطح لباس‌ها با نقوش هندسی و بدون چین و چروک تزیین شده است. چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد، پیکره انسانی سیاره‌ها با ادوات مورد استفاده، در هماهنگی با دایره‌های که درون آن قرار گرفته‌اند، ترسیم شده‌اند. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخهٔ کتابخانهٔ باواریا به عنوان بیش‌منن، هنرمند چندان از پیش‌منن تعییت نکرده است. او برخلاف پیش‌منن، سیارهٔ خورشید را در قالب یک انسان کامل و جنسیت مذکور طراحی کرده است. همچنین برای پوشش قالب انسانی سیاره‌ها از لباس رایج دوره عباسی در نگارگری استفاده کرده است. این لباس‌ها از فرم لباس ساسانی تأثیر گرفته و به تأثیر هنر بیزانسی چین و چروک گرفته‌اند. سیاره‌هایی که در قالب مذکور ترسیم شده‌اند، دارای ریش و چهره آن‌ها شبیه به نژاد ایرانی و سامی ترسیم شده است. همچنین چنانکه در بالاتر ذکر شد، در طراحی ادوات و سایر لوازم همراه پیکره‌ها، چندان به پیش‌منن خود معتمد نبوده است (جدول ۸).

جدول ۸. تراگونگی شکلی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

تراگونگی شکلی		سیاره
بیش‌منن	پیش‌منن	
پیکره انسانی کامل با صورت و لباس ایرانی	فقط چهره با صورت ترکی مغولی ترسیم شده	خورشید
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی	بهرام
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی	تیر
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی، بربط مدور	زهره
صورت و لباس ایرانی، متکا پشت سر	صورت و لباس ترکی مغولی، گیسو باز شده	ماه
صورت و لباس غربی یک داس بلند در دست	صورت و لباس ترکی غربی دو تیشه در دست	کیوان
صورت و لباس ایرانی، متکا پشت سر	صورت و لباس ترکی مغولی	هرمز

۲-۳. تراگونگی ترکیب‌بندی: در تراگونگی ترکیب‌بندی به تنظیم جایگاه اجزای تشکیل‌دهنده اثر بهمنظور ایجاد وحدت و تناسب در کلیت و بین بخش‌های مختلف پیکره سیاره‌ها، در دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر،

پیکره

زودآیند ویرایش نشده

توجه می‌شود. در نوع ترکیب‌بندی پیکره‌های ترسیمی در بیش‌متن تغییراتی چشمگیر نسبت به پیش‌متن اعمال شده است و این تغییرات شامل زاویه دید پیکره‌ها، ادوات در دست پیکره‌ها و نوع ابزار مورد استفاده پیکره‌ها می‌شود. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسه مینای به عنوان پیش‌متن پژوهش، به جز سیاره ماه که روبه‌رو را نگاه می‌کند، بقیه سیاره‌ها همگی در حال نگاه به سمت راست خویش طراحی شده‌اند. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به عنوان بیش‌متن، سه سیاره در حال نظاره کردن سمت راست، سه سیاره رو به سمت روبه‌رو و تنها سیاره تیر در حال نظاره کردن سمت چپ ترسیم شده است. در ترسیم سیاره پیش‌متن، سیاره خورشید را با یک قالب انسانی کامل و مسلح به شمشیر ترسیم کرده است. در ترسیم سیاره بهرام جای شمشیر و سر بریده را عوض کرده است. در سیاره تیر، متکایی به پشت سر پیکره اضافه کرده است. سیاره زهره برخلاف پیش‌متن در یک قالب مربعی شکل طراحی شده؛ همچنین بربط او در قالب مثلث‌شکل طراحی شده است. در سیاره ماه، ماهبانو دائیره روبه‌روی صورت خود را در دست گرفته است. در طراحی سیاره کیوان، یک صندلی و داس بلند با کلاه شیپوری بلند به پیکره اضافه کرده است. نوع ابزار مورد استفاده سیاره هرمز نیز تغییر کرده و متکایی به پشت سر پیکره اضافه شده است (جدول ۹).

جدول ۹. تراگونگی ترکیب‌بندی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

تراگونگی ترکیب‌بندی		سیاره
بیش‌متن	پیش‌متن	
پیکره روی تخت شاهی با لباس سلطنتی، شمشیری روی زانو، روبه‌رو صورت یک دائیره، رو به سمت روبه‌رو	پیکره سمت راست را نظاره می‌کند	خورشید
شمشیری به دست روی شانه چپ و سر بریده‌ای در دست راست و نظاره‌گر سمت راست	شمشیری در دست راست و یک سر بریده در دست چپ در حالی که روبه‌رو را نظاره می‌کند	بهرام
متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت چپ، قلمی در دست راست، دائیره‌ای دور سر پیکره	چهارزانو نشسته رو به سمت راست، قلمی در دست راست، دائیره‌ای دور سر پیکره	تیر
متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت راست، مضراب در دست راست، اگرچه چهره پیکره مخدوش	چهارزانو نشسته رو به سمت راست، مضراب در دست راست، ساز بربط با فرم دائیره، دائیره‌ای رنگی پشت سر پیکره	زهره
چهارزانو نشسته رو به سمت روبه‌رو، دائیره‌ای روبه‌روی سر پیکره، متکایی در پشت سر، چهره پیکره مخدوش	چهارزانو نشسته رو به سمت روبه‌رو، دائیره‌ای رنگی روبه‌روی سر پیکره	ماه
روی صندلی نشسته رو به سمت راست، داسی بلند به دست چپ روی شانه	نشسته رو به سمت راست، دو اسلحه تیشه‌مانند در دو دست و دائیره‌ای رنگی پشت سر	کیوان
پیرمردی با لباس و چهره ایرانی، نشسته رو به سمت راست، دو وسیله در دو دست، متکایی پشت سر	نشسته رو به سمت راست، شیء کتاب‌مانند در دست چپ، دست راست را بلند کرده و دائیره‌ای رنگی پشت سر	هرمز

۴-۲. تراگونگی رنگی: در تراگونگی رنگی تأکید بر روی تغییرات رنگی پیکره سیاره‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها در دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر می‌باشد. در نوع رنگ‌گذاری پیکره‌های ترسیم شده در بیش‌متن تغییراتی چشمگیر نسبت به رنگ پیکره سیاره‌ها در پیش‌متن اعمال شده است. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسه مینای به عنوان پیش‌متن پژوهش، رنگ‌ها در کلیت آثار دارای تنالیته‌های تیره و زمخت هستند؛ اما هنرمند

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایبالمخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به عنوان بیش‌متن، برای رنگ‌گذاری پیکره سیاره‌ها و اجزای مربوطه، از رنگ‌های شفاف‌تر و روشن‌تری استفاده کرده است. هنرمند به جای آبی سیر در بیش‌متن، رنگ آبی روشن انتخاب کرده و به جای رنگ عنابی تیره از رنگ قهوه‌ای روشن بهره برده است. همچنین به جای رنگ طلایی از رنگ اکر روشن و زرد استفاده کرده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تراگونگی رنگی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

سیاره	تراغونگی رنگی	پیش متن	بیش متن
خورشید	طلایی، عنابی، آبی	اطلاعی، قهوه‌ای و عنابی	اکر، آبی و قرمز
پهراهم	طلایی، عنابی و آبی	طلایی، عنابی و آبی	اکر، قرمز و آبی
تیر	طلایی، عنابی و آبی	طلایی، عنابی و آبی	اکر، صورتی و سیز
زهره	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اکر، نارنجی و آبی
ماه	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اکر، صورتی، نارنجی و آبی
کیوان	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اکر، نارنجی و آبی
هرمز	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اکر، نارنجی و آبی

نتیجه‌گیری

هنر در ایران از آغاز تا زمان حال بک جریان بهم پیوسته بوده و همواره سویه تکاملی داشته و هنرمندان در همه دوره‌های تاریخی دارای شناخت کامل از هنر دوره‌های پیشین خود بوده‌اند و تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از تجارب گذشتگان، هنر زمان خویش را به حد اعلای خود برسانند. با این پیش‌فرض، در این پژوهش سعی شد تأثیرپذیری طراحی و ترسیم نگاره سیاره‌های هفت‌گانه در کتاب «عجایبالمخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا از یک کاسه مینایی در دوره سلجوقی، با رویکرد بیش‌متنی ژرار ژنت بررسی و تحلیل شود. در پاسخ به سؤال اول که شیوه تأثیر ترسیم نقوش سیاره‌های ثابت کتاب «عجایبالمخلوقات» از کاسه مینایی در دوره سلجوقی بیش‌تر به کدام گونه از بیش‌متنیت تمایل دارد؟ با توجه به بررسی و مطالعات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که طراحی و ترسیم پیکره سیاره‌ها در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایبالمخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به عنوان بیش‌متن این پژوهش، به لحاظ شاخص رابطه نسبت به پیش‌متن دارای تراگونگی (تفییر) است؛ همچنین براساس رابطه کارکرد در دسته جدی قرار می‌گیرد، در نتیجه در رویکرد بیش‌متنی ژرار ژنت در گونه ترانسپوزیشن یا تراگونگی با کارکرد جدی قرار می‌گیرد. در پاسخ به سؤال دوم که در این فرآیند تأثیرپذیری، چه تغییراتی در ترسیم پیکره سیاره‌ها ایجاد شده است؟ می‌توان به تفکیک، به چهار نمونه از تراگونگی و تغییرات اشاره کرد: (جنسي، شکلی، ترکیب‌بندی، رنگی). با وجود اینکه هنرمند در خلق نگاره‌های کتاب «عجایبالمخلوقات» از یک پیش‌متن همدورة خود تأثیر گرفته است، اما او خود را محدود به کپی‌برداری صرف از آن نکرده و از خلاقیت خود نیز بهره برده است. به عبارت دیگر، هنرمند نگارگر کتاب «عجایبالمخلوقات» در تأثیرپذیری از هنرمندان همدورة خود نگاهی تقليیدی ندارد و سعی می‌کند تا از پیش‌متن خود فراتر رود و در این مسیر از سنت نقاشی ايراني و جامعه خود تأثیر می‌پذيرد. در فرآیند خلق بیش‌متن و تأثیرپذیری نگارگر کتاب «عجایبالمخلوقات» از هنرمند کاسه مینایی، به دليل تفاوت در پیشینه و بافت فرهنگي، هنري و اجتماعي، بیش‌متن دچار تراگونگي و تغيير شده است. تغییرات ایجاد شده در

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

نگاره سیارات هفت‌گانه کتاب «عجایب‌المخلوقات» علاوه‌بر اینکه موجب خلق اثری جدید و مستقل شده است، سبب ایجاد بیش‌منتهی مرتبط با هنر و جامعه خلق اثر نیز شده است. هنرمند در برخی از قسمت‌های نگاره‌ها به ویژگی‌های فرهنگی- هنری و اجتماعی جامعه ایران اشاره دارد، مثلًا استفاده از پوشاش و البسه ایرانی رایج در نگارگری عباسی، خطوط سیال و روان دورگیری پیکره‌ها، خلق چین و چروک لباس پیکره‌ها و طراحی صورت و اندام ایرانی پیکره‌ها، اشاره به قواعد زیبایی‌شناسی نگارگری ایرانی دارد. در نهایت می‌توان چنین اذعان کرد که اگرچه نگارگر سیارات هفت‌گانه کتاب مذکور از یک اثر با خصوصیات فرهنگی- هنری ترکی سلجوقی، تأثیر گرفته است، ولی با اقتباس‌های سنجیده به اثری مستقل و جدید دست یافته که در آن فرهنگ و سنت نگارگری ایرانی استمرار و تداوم یافته است.

مشارکت‌های نویسنده

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «خوانش بینامتنی نقش متن خورشید در هنر سلجوقیان ایران» است که با راهنمایی نگارنده‌گان دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

تقدیر و تشکر

فاقد قدردانی

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Hypertextuality
2. Gérard Genette
3. Transtextualité
4. Hypotext
5. Hypertext
6. Transformation
7. Metropolitan Museum of Art
8. Sheila R. Canby
9. Deniz Beyazit
10. Martina Rugiadi
11. Julia Kristeva
12. Tzvetan Todorov
13. Transpositio
14. Bayerische Staatsbibliothek
15. Syrinx von Hees
16. Edward Schwartz
17. Aphrodite

بیکره

زودآیند ویرایش نشده

18. Saturn
19. Cronus
20. Zeus
21. Pastiche
22. Charge
23. Forgerie
24. Parodie
25. Travestiman
26. Transposition

منابع

- آذر، اسماعیل. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی. *فصلنامه علمی- پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ۱۱-۳۱، ۲۴(۷).
- آلن، گریاهام. (۱۳۸۰). *بینامتنیت (ترجمه پیام بزدان جو)*. تهران: مرکز.
- احمدی، یاک. (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- بیگ باباپور، یوسف. (۱۳۹۲). *نسخه برگردان عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*. تهران: سفیر اردهال.
- پرویزی، محمد. (۱۳۸۲). *تبارشناسی اصطلاح بینامتنیت*. *دوهفتنه‌نامه تدیس*، ۱۵(۱۵)، ۸-۱۰.
- تودورووف، تزوستان. (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخانیل باختین (ترجمه داریوش کریمی)*. تهران: مرکز.
- سیستانی، الهام و مرآثی، محسن. (۱۳۹۴). *سیر تحول تصویرسازی نمادها و صور فلکی در آثار مکتوب ایران از دوره سلجوقی تا صفوی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصویرسازی)*. دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- غلامی گودرزی، طاهره و محمودی، فتانه. (۱۴۰۰). *نقش نجوم در تصویرسازی آثار فلزی دوره سلجوقی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی)*. دانشگاه هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
- فن هس ، سیرینکس و شوارتس، ادوارد. (۱۳۸۵). *نقش مرغ در نسخه عجایب المخلوقات (ترجمه عباس آفاجانی)*. گلستان هنر، ۲(۲)، ۹۰-۷۸.
- قانی، افسانه و مهرابی، فاطمه. (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل عناصر بصری قالیچه جانمایی صفوی براساس آرای ژرار ژنت*. *فصلنامه علمی نگره*، ۱۴(۵۲)، ۶۹-۸۳. Doi: 10.22070/NEGAREH.2019.4131.2111.
- قهاری گیگلو، مهناز و محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواكب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری*. *فصلنامه علمی نگره*، ۱۴(۵)، ۵-۲۱.
- مصفي، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). *ترامتنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها*. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۶(۵)، ۸۳-۹۸.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۵). *بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدنیسم (نظریه‌ها و کاربردها)*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۱). *گونه‌شناسی بیش‌متنی*. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۳۸(۹)، ۱۳۹-۱۵۲. Doi: 20.1001.1.17352932.1391.9.38.7.7
- Canby, Sh., Beyazit, D., & Rugiadi, M. (2016). *Court and Cosmos: The Great Age of the Seljuqs*. USA: Yale University Press.
- Canby, Sh., Beyazit, D., & Rugiadi, M. (2020). *The Seljuqs and their Successors: Art, Culture and History*. Scotland: Edinburgh University Press.